



افغانستان پس از طالبان

دو ماه و اندی پس از ۱۱ سپتامبر، طالبان افغانستان سرنگون شده‌اند و به رغم این که هنوز بخشی از این کشور را در مناطق جنوبی همجوار با پاکستان در اختیار دارند، اما شکست آنها قطعی شده است. هنگامی که دولت آمریکا قصد خود رامینی بر سرنگونی طالبان اعلام نمود، بدیهی بود که این رژیم در مدت کوتاهی سقوط خواهد کرد. نه صرفاً از این جهت که قدرت نظامی طالبان در مقایسه با آمریکا، انگلیس و دیگر قدرت های جهانی تقریباً هیچ بود، بلکه بدین علت که رژیم طالبان افغانستان یک رژیم فوق ارتجاعی - قرون وسطائی بود که نه در میان توده مردم افغان - نستان نفوذ و پویگاهی داشت و نه در سطح بین المللی و افکار عمومی جهان. در طول ۵ سال گذشته با استقرار امارات اسلامی افغانستان، طالبان، وحشیانه ترین ستم و سرکوب را بر مردم افغانستان تحمیل نمود و آنان را از ابتدائی ترین حقوق انسانی شان محروم و به بند کشید. آنها تنها با حمایت ضمنی آمریکا و پشتیبانی مستقیم نظامی و مالی پاکستان، عربستان سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس، و به خدمت گرفتن مزدوران اسلام گرا از سراسر جهان، توانسته بودند حاکمیت خود را در افغانستان برقرار کنند. نفرت توده مردم افغانستان از طالبان تا آن حد بود که همین که فرصت را مناسب دیدند، باقیام آنها را از برخی شهرها بیرون راندند. از سوی دیگر، افکار عمومی مردم جهان نیز شدیداً علیه طالبان بود. مخالفت مردم جهان علیه میلیتاریسم و جنگ طلبی آمریکا هیچگاه به معنای دفاع از یک رژیم ارتجاعی به نام طالبان نبود. مردم جهان در آکسیون های اعتراضی خود هم جنگ طلبی و توسعه طلبی آمریکا و دیگر قدرتهای جهان را محکوم کردند و هم تروریسم بنیادگرایان اسلامی و رژیم - هائی از قماش طالبان را. لذا کافی بود تا

صفحه ۲

قبل از داغان شدن مجلس به دست کارگران، بگذار مجلسیان به حال آن گریه کنند!

بهیاد ارائه طرح دوفوریتی و سه فوریتی افتادند. روز سه شنبه ۲۹ آبان طرح سه فوریتی الحاق یک تبصره به قانون انتخابات و نیز ایجاد هیئت حکمیت در مجلس به تصویب رسید، اما هر دو طرح همان روز از سوی شورای نگهبان مغایر قانون اساسی و شرع شناخته شد و رد شد. روز بعد، به رغم اختلاف نظرهای که میان افراد جبهه دوم خرداد پیرامون نحوه پیگیری مسئله و ایجاد تغییراتی در این طرح ها وجود داشت، اکثریت مجلس اندک تغییراتی در این طرح ها وارد ساخت و آن را مجدداً به تصویب رساند. محمد رضا خاتمی نایب رئیس مجلس گفت، اگر مجلس کاری نکند، پس "بود و نبودش" چه فرقی می کند! او اضافه کرد که "اگر بخواهیم به صرف اینکه شورای نگهبان طرح را تأیید نمی کند آن را تصویب نکنیم، باید در

صفحه ۳

باردیگر اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان آن بالا گرفته است. این اختلاف قبل از هر چیزی در تصویب طرح هائی از طرف مجلس و رد آن از سوی شورای نگهبان انعکاس یافته است. اختلاف بر سر نحوه نظارت شورای نگهبان و بر انتخابات است. طرح و تصویب تبصره ها و طرح هائی در این زمینه، زمانی به فکر مجلس رسید که شورای نگهبان صلاحیت ۵۵ نفر از نامزدهای انتخاباتی میان دوره ای مجلس در استان گلستان را که تقریباً همگی وابسته به جبهه دوم خرداد می باشند، رد نمود. جبهه دوم خرداد با صدور اطلاعیهای به این مسئله اعتراض کرد و افراد این جبهه در مجلس که مدت زیادی را به چانه زنی با شورای نگهبان پرداخته بودند تا این "شورا" را "متقاعد" به انعطاف و نرمش کنند و با آن به توافق برسند، وقتی که در پشت پرده به جائی نرسیدند، ناگهان

جمهوری اسلامی روند اجرای

سیاست های انحصارات مالی را تسریع کرده است

و بازرگانی میان جمهوری اسلامی و این کشور -ها، به مذاکره و گفتگو نشستند و به توافقات تازهای در این زمینه ها نیز دست یافتند و درست در همان روز در مقدم ورود پیک های سرمایه جهانی، مجلس ارتجاع لایحه "باز- سازی و نوسازی صنایع" را در راستای حمایت هر چه بیشتر از سرمایه داران و باز- گذاشتن کامل دست آنها در تشدید استثمار و اخراج کارگران و به منظور جلب سرمایه های خارجی، به تصویب رساند.

جلب سرمایه های خارجی، یکی از سیاستهای اقتصادی محوری کابینه خاتمی بوده است. سرمایه های خارجی اما جلب نمی شوند، مگر آن که سیاست های اقتصادی انحصارات امپریالیستی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به مرحله اجرا گذاشته شود. البته مقامات رژیم و مسئولین اقتصادی آن، بارها و بارها برای آماده سازی زمینه مساعد جهت ورود سرمایه های خارجی، اعلام آمادگی نموده اند و در راستای عملی ساختن سیاستهای اقتصادی انحصارات امپریالیستی و رهنمودها و اصول

صفحه ۵

در همان لحظاتی که ستون های ستبر مرکز تجارت جهانی و نمادهای سرمایه بین المللی در حال فرو ریختن بود، سرمایه جهانی، در حال پی ریزی و بازگشائی عرصه های جدیدی به روی خویش بود. تو گویی بزرگ سرمایه داران، امپریالیسم و انحصارات مالی و بین - المللی، برای گسترش سلط و استثمار، نوبت فروریزی نمادهای تجاوز و استثمار را انتظار می کشیدند. پی آمدهای یازده سپتامبر، بدون شک سراسر جهان و بسیاری از روندها را مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر قرار داد. جمهوری اسلامی و روندهای درونی آن نیز از این قاعده مستثنی نبود.

درست در بحبوحه مسئله حادثه ی "مبارزه با تروریسم" بود که وزیر خارجه انگلیس نزدیک ترین متحد اروپائی آمریکا بعد از نزدیک به دو دهه، روز سوم مهرماه فاتحانه وارد پایتخت ام الفرای اسلام گردید و در پی آن اعضاء هیئت اتحادیه اروپا نیز وارد تهران شدند و آنگاه در پس تمام جار و جنجال های سیاسی، پیرامون مسائل اساسی تر یعنی گسترش روابط اقتصادی و رفع موانع تجارت

در این شماره

تظاهرات کارگری ۱۶ اکتبر در فرانسه ۴

تظاهرات علیه جنگ در بریتانیا ۴

اخباری از ایران ۲

خلاصه ای از اطلاعیه ها و

بیانیه های سازمان

صفحه ۷

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۱۶)

صفحه ۸

افغانستان پس از طالبان

آمریکا، دولتهائی نظیر عربستان، پاکستان و امارات متحده را وادارد، اذحمایت طالبان دست بردارند و بایمبارانهای مداوم و حمایت از اتحاد شمال، درمدتی کوتاه آن راسرنگون کند. اما سرنگونی طالبان بدین معنا نیست که مردم افغانستان از ظلم و ستم و سرکوب و جنگ و بی حقوقی رهائی یافته و یا این که حداقل به آزادی دست یافته باشند. اکنون زمامداران امر افغانستان از یک سو قدرتهای امپریالیست جهانی و در راس آنها آمریکا و انگلیس اند که نیروهای نظامی خود را نیز در افغانستان مستقر کرده اند. امپریالیسم هیچ -گاه آزادی برای ملت ها به همراه نمی آورد، بلکه همواره با ارتجاع سیاسی همراه بوده و اختناق و بی حقوقی را در کشورهای عقب مانده تر جهان سرمایه داری به همراه آورده است. در همین تحولات اخیر افغانستان آنها با حمایت همه جانبه از اتحاد شمال، جریانی را در افغانستان به قدرت رساندند، که در دوران حاکمیت کوتاه خود پس از سرنگونی نجیب الله، دست به ننگین ترین جنایات ضد بشری علیه مردم افغانستان زد و پیش از طالبان، آنها بودند که بابرقراری حاکمیت قوانین اسلامی، مردم افغانستان را حتی از حقوق مدنی و انسانی شان محروم کردند. پس در واقعیت، آنچه که در افغانستان اتفاق افتاده است، این است که ارتجاعی رفته و ارتجاعی دیگر جای آن را گرفته است. گروهی از بنیاد - گرایان اسلامی رفته اند و گروهی دیگر جای آنها را گرفته اند. گیریم که تمایز دومی از اولی در این است که فی المثل زنان دیگر مجبور نیستند چهره خود را بابرقع بپوشانند، اما همچنان مجبورند، حجاب اسلامی را رعایت کنند. توده های مردم افغانستان هیچ نقشی در تعیین سرنوشت و انتخاب آزادانه رژیم افغانستان ندارند، در نهایت بحث بر سر این است که سران مرتجع قبائل و شاه مخلوع افغانستان نیز در تصمیم گیری در مورد آینده افغانستان به همراه اتحاد شمال، نقش داشته باشند. پس روشن است که حتی با سرنگونی طالبان، مردم افغانستان نه به حقوق انسانی از دست رفته خود، دست یافته اند، نه به آزادی و نجات از شر مصائب دولت مذهبی. اما اگر از این جهت چیزی عاید مردم افغانستان نشده است، آیا می توان لاقول امیدوار بود که مردمی که دو دهه با مصائب وحشتناک، جنگ، کشتار و ویرانی روبرو بوده اند و ته مانده این کشور ویران را هم بمب ها و راکت های آمریکا و انگلیس ویران کردند، از این همه مصائب نجات یابند؟ توده مردم افغانستان به این هم امیدی ندارند و دلایل متعددی هم می توان در مورد عدم اطمینان آنها به آینده ارائه داد. اسلامگرایان اتحاد شمال که اکنون دولت اسلامی شان را دو باره در افغانستان بر پا کرده اند، از گروه های متعددی تشکیل شده است که وحدتشان تا کنون بر اساس مخالفت با طالبان بوده است. اینان دارای تمایلات

متعدد قومی، مذهبی و ملی با ادعاهای عریض و طویل هستند. گروه های اسلامگرای شیعه، با اسلامگرایان سنی تضاد دارند. ازبکها و تاجیکها و غیره هر یک ادعاهای ملی خود را دارند. هر گروه در منطقه تحت سلطه خود، حاکمیتی را جز حاکمیت خود نمی پذیرند. از آنجائی که دولتی دمکراتیک در افغانستان وجود ندارد که بتواند به شیوه ای دمکراتیک این تضادها را حل کند، لاجرم هر لحظه به جنگ و خونریزی می انجامند. در چند سال گذشته چنین بوده و در آینده نیز مادام که اوضاع بر همین منوال باشد، چنین خواهد بود. در اینجا هنوز نقش پشتون ها، تفکرات اسلام نوع طالبانی در میان آنها و سران قبائل و دستگاه روحانیت آن به حساب نیامده است. آنچه اوضاع را پیچیده تر می کند، مداخله و منافع قدرت های منطقه ای و بین المللی در افغانستان است. در اینجا هر یک از کشور - های همجوار با افغانستان در تلاش اند، موقعیت دار و دسته طرفدار خود را در این کشور مستحکم کنند. جمهوری اسلامی در پی تحکیم موقعیت گروه های اسلام گرای شیعه است. تاجیکستان و ازبکستان می خواهند موقعیت تاجیک ها و ازبک ها را مستحکم کنند. پاکستان که طالبان دست نشانده خود را از دست داده است، پیشاپیش قول و قرارهای خود را با آمریکا به ویژه در مورد پشتون ها و نقش پاکستان گذاشته است. این تضاد منافع دولتهای همجوار افغانستان، هر لحظه امکان بروز و گسترش جنگ های داخلی را به همراه دارد.

قدرتهای امپریالیست جهان نیز هر یک به سهم خود در حال ایجاد پایگاهی نظامی در افغانستان هستند. آمریکا و انگلیس از قبل پیاده نظام خود را در برخی مناطق مستقر کرده اند. فرانسه دست اندرکار استقرار نیروهای نظامی ویژه خود است. آلمان نیز تصمیم گرفته است که عجلتا چند هزار نیرو به افغانستان گسیل دارد. این استقرار نیروهای نظامی قدرت های امپریالیست در خدمت دو هدف است. نخست این که در خدمت اهداف توسعه طلبانه آنها در کل منطقه و تحولات آتی آن که اساسا جنگ در افغانستان به خاطر آن آغاز گردید، قرار دارد و ثانیاً - آنها به وضعیت بی ثبات در افغانستان واقف اند و برای پیشبرد سیاست های خود در این کشور به این نیرو نیاز دارند. هنوز جنگ کاملا پایان نیافته است که بحث داغ قدرتهای جهانی بر سر صدور سرمایه به افغانستان برای سرمایه گذاری در منابع گاز، کشاورزی و غیره در گرفته است. این سرمایه نیاز به امنیت دارد و در افغانستان نیروئی نیست که بتواند این امنیت سرمایه را تضمین کند. لذا نیروی نظامی قدرتهای امپریالیست به عنوان ضامن امنیت سرمایه بین المللی عمل می کند. اما این خود تضادهای دیگری را به همراه می آورد که می تواند جنگ ها و کشمکش های وسیع - تری را به دنبال داشته باشد. لذا می توان گفت که گرچه طالبان سرنگون شد، اما معضلات افغانستان و مردم این کشور به جای خود باقی است.

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران پشمبافی

کارگران شرکت پشمبافی کشمیر کرمانشاه، بار دیگر در برابر استانداری کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت حقوق های معوقه و روشن شدن وضعیت ادامه کاری این واحد نساجی شدند. شایان ذکر است که پشمبافی کشمیر کرمانشاه از شهریور ماه سال جاری رسماً به صورت تعطیل درآمده و بیش از ۵ ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است.

* اعتصاب و تجمع کارگران جهاد نصر

کارگران شرکت جهاد نصر خوزستان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، دست از کار کشیدند و با تجمع در برابر در ورودی این شرکت، خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. بیش از چهار ماه است که کارگران این شرکت دستمزد پرداخت نشده است و کارگران هر زمان اعتراض نموده اند، از جانب کارفرما، تهدید به اخراج شده اند.

* کارگران چیت سازی جاده را بستند

روزیکشنبه ۲۹ مهر، ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر، در اعتراض به عدم پرداخت یازده ماه حقوق و مزایای خویش، دست به اعتراض زدند. کارگران معترض ابتدا در برابر فرمانداری این شهر دست به تجمع زده و خواستار پاسخگویی و رسیدگی به مطالبات خود شدند اما وقتی که پاسخ مناسبی دریافت نکردند، دست به راهپیمایی زدند و سپس جاده اصلی بهشهر - گرگان را تا ساعت ۲/۵ بعد از ظهر مسدود ساختند و در ادامه اعتراض خویش به سمت کارخانه راه پیمائی کردند. در حال حاضر حدود هزار نفر از کارگران این کارخانه بلاتکلیف اند!

* اعتصاب در بنیان دیزل

بیش از ۴۰۰ تن از کارگران بنیان دیزل تبریز که در دو شیفت کار می کنند از اوائل مهرماه به مدت چندروز دست به اعتصاب زدند. کارگران خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت مزایای شغلی و لباس ایمنی کار هستند. قابل ذکر اینکه کارگران این کارخانه در اوائل تیرماه نیز دست به اعتصاب زده بودند که در آن موقع مدیریت کارخانه وعده داد تا آخر شهریور طرح طبقه بندی مشاغل را اجرا کند. اما از آنجا که این وعده عملی نشد، کارگران بار دیگر دست به اعتصاب زدند.

قبل از داغان شدن مجلس به دست کارگران، بگذار مجلسیان به حال آن گریه کنند!

مجلس را ببندیم! با اینهمه، شورای نگهبان نیز عصر همان روز این طرح‌ها را رد کرد و به مجلس عودت داد و موضوع نهایتاً به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار شد!

هرکس این را می‌داند که جبهه دوم خرداد با توجه به اعتقاد و التزام آن به نظام ولایت فقیه، با اصل نظارت شورای نگهبان بر انتخابات هیچ مشکلی نداشته است و ندارد. این جبهه صرفاً خواستار یک تغییر بسیار جزئی شده بود. مضمون یکی از تبصره‌های پیشنهادی این جبهه و مصوب اکثریت مجلس این است که در مواردی که بین شورای نگهبان و وزارت کشور از لحاظ اسناد ارائه شده جهت رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی اختلاف وجود داشته باشد، تشخیص نهائی برعهده یک هیئت چهارنفره به ریاست رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس مجلس، دبیر شورای نگهبان و وزیر کشور قرار داده شود! بنابراین مصوبه مجلس گزندی به اصل مسئله نظارت شورای نگهبان وارد نمی‌کند و اصل به‌جای خود باقیست. طبق این طرح تنها در مواردی که نسبت به اسناد ارائه شده برای رد صلاحیت‌ها اختلاف وجود داشته باشد، تصمیم‌گیری نهائی برعهده یک هیئت ۴ نفره (بخوان یک شورای نگهبان کوچکتر) قرار می‌گیرد؛ هیاتی که در راس آن رفسنجانی است، عضو دیگرش جنتی است، عضو دیگرش کروبی است و عضو دیگران هم موسوی لاری! همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، این حتی یک اصلاح و تغییر جزئی هم نیست، معهذاتر طرفداران خامنه‌ای و شورای نگهبان شدیداً با این طرحها و تبصره‌ها به مخالفت پرداختند. مرتباً جبهه دوم خرداد را به ایجاد "هیاهو" و "تنش" متهم کردند و حتی رفسنجانی نیز در نماز جمعه تهران، "افزایش تنش‌ها" را نکوهش کرد و صریحاً خواستار آن شد که اختلافات به سطح جامعه کشیده نشود.

معهد افراد سرشناس جبهه دوم خرداد، بر مبنای طرح مصوبه مجلس بر این مسئله تأکید می‌کنند چنانچه هیاتهای نظارت، نامزدهای انتخاباتی را بدون سند و مدرک رد صلاحیت کنند، وزارت کشور ملزم به قبول آن نخواهد بود. محمد رضا خاتمی در این زمینه گفت اگر شورای نگهبان دلائل کافی برای رد صلاحیت افراد ارائه نکند، وزارت کشور مجاز است نام این افراد را در لیست های انتخاباتی وارد کند. محتشمی پور رئیس فراکسیون جبهه دوم خرداد و بهزاد نبوی نیز سخنان مشابهی در همین زمینه مطرح ساخته و بر ضرورت تشکیل یک هیات داورى تأکید دارند و با آوردن این نمونه که در انتخابات مجلس سوم هنگام بروز اختلاف میان شورای نگهبان و وزارت کشور بر سر رد صلاحیت‌ها، به دستور خمینی به طور مقطعی هیاتی برای داورى

نهائی تعیین گردید، خواستار ایجاد و نهادینه شدن چنین مرجعی هستند و سرانجام محسن آرمین نایب رئیس مجلس نیز گفت اگر اقدامات مجلس به نتیجه نرسد، احتمالاً بحث "فراندم" و "همه‌پرسی" در مورد نظارت استصوابی مطرح خواهد شد!

مستقل از اینکه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصلحت نظام را چه تشخیص دهد و در مورد طرح‌های مصوب مجلس چه تصمیمی اتخاذ کند، تجربه کارمجلس بطورکلی، از جمله مجلس ششم بر این واقعیت صحه می‌گذارد که مجلس جز عقب نشینی و جز پذیرش نظر مقامات و ارگانهای بالاتر راه دیگری در پیش نخواهد گرفت و به آن تمکین خواهد نمود. اما مردم ایران نیز می‌دانند که این تهدیدها تماماً توخالی است. این‌ها فقط نشانه تشدید بحران سیاسی و اختلافات است. مجلس اگر می‌خواست و می‌توانست در این زمینه کاری انجام دهد، تا حالا آن را انجام داده بود. افراد شاخص جبهه دوم خرداد هنگام تبلیغات انتخاباتی و قبل از ورود به مجلس می‌گفتند اولین اقدام مجلس ششم اصلاح قانون انتخابات و لغو نظارت استصوابی خواهد بود!

اما مگر هم اکنون دو سال از عمر این مجلس نگذشته است؟ آیا لازم بود تا موعد انتخابات میان دوره ای فلان استان فرا برسد تا این حضرات به‌یاد نظارت استصوابی شورای نگهبان بیفتند؟ مسئله به‌طور واقعی اینست که نظارت و اختیارات شورای نگهبان منطبق بر قوانین نظام ولایت فقیه است. مجلس جمهوری اسلامی، مجلس ولایت فقیه است و نمی‌تواند در عین اعتقاد و التزام به این قوانین، علیه آن باشد، این اولاً، از این گذشته در تصویب قوانین برای تغییرات حتی در محدوده‌های بسیار جزئی هم، این مجلس فاقد اقتدار و اختیارات و بر فراز سر آن شورای نگهبان که خود منتخب ولایت فقیه است، قرار دارد و اساساً ولی فقیه که صاحب اختیار و قدرت مطلقه است، بر فراز سر همه آنها نشسته است. چندی قبل، مجلس اسلامی، طرح تحقیق و تفحص از صدا و سیما را تصویب کرد، اما از آنجا که این نهاد زیر نظارت خامنه‌ای است، بدون "اجازه مقام رهبری" نه مجلس و نه هیچکس دیگر تکان هم نمی‌تواند بخورد. نماینده سمیرم، در جریان همین بحث‌های اخیر در مجلس، حال و روز مجلس و نمایندگان آن را توضیح داد و یک تصویر بالنسبه واقعی از مجلس و نمایندگان آن ترسیم نمود. او گفت "ما یک مشت نماینده اسمی هستیم که از نظر اقتدار هیچ قدرتی نداریم، هیچک از مسئولان روی نماینده مجلس حساب باز نمی‌کند" وی خطاب به سایر نمایندگان مجلس گفت "شوخی هائی چون احسنت احسنت را کنار بگذارید، بنشینیم به

حال این مجلس گریه کنیم و عزا بگیریم" این مسائل برای چندمین بار نشان می‌دهد که در رژیم جمهوری اسلامی اولاً حرفی از انتخابات حتی در چارچوب نظام‌های پارلمانی-نئوتاریستی هم نمی‌تواند در میان باشد، ثانیاً مجلس در جمهوری اسلامی یک ارگان نمائشی بیشتر نیست و نمایندگان آن مطلقاً هیچ - کاره اند و ثالثاً رژیم جمهوری اسلامی هیچ - گونه ظرفیتی حتی برای اصلاحات بسیار جزئی و بی‌جان را هم ندارد. نخستین شرط مشارکت واقعی توده‌های مردم در سرنوشت خود، و جاری شدن اراده کارگران و زحمتکشان در رگهای جامعه، سرنگونی رژیم، داغان کردن تمامی ارگانها و نهادهای جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام شورائیت! حال بگذار قبل از داغان شدن مجلس به دست کارگران، مجلسیان به حال این نهاد نمائشی گریه‌کنند!

کمک‌های مالی رسیده

استرالیا	
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۵/۵/۲۰۰۱
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۹/۶/۲۰۰۱
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۹/۷/۲۰۰۱
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۹/۸/۲۰۰۱
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۹/۹/۲۰۰۱
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۹/۱۰/۲۰۰۱
آمریکا	
۲۰۰ دلار آمریکا	ک.س
۱۰۰ دلار آمریکا	و.س
۲۰۰ دلار آمریکا	م.الف
سوئد	
۱ دلار آمریکا	_____
اتریش	
فعالین سازمان در اتریش ۷۰۰۰ شلینگ اتریش	
فرانسه	
جشن اومانیته ۱۹۰۰ فرانک فرانسه	
هامبورگ	
مازیار-د ۵۰ مارک	
ایوب ملکی ۱۵۰ مارک	
رحیم حسینی ۱۰۰ مارک	
محمد رضا قصاب آزاد ۱۰۰ مارک	
مازیار ۱۲۰ مارک	
خاوران ۱۰ مارک	

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

تظاهرات علیه جنگ در بریتانیا

بیش از ۵۰ هزار نفر از کارگران و دیگر مردم صلح‌دوست روز شنبه ۱۳ اکتبر در مرکز لندن به تظاهرات و راهپیمایی پرداختند. خواست آنها پایان دادن به جنگ در افغانستان بود. این تظاهرات توسط CDN، کارزار برای خلع سلاح هسته‌ای سازماندهی شده بود و عظمت آن در دهه‌های گذشته بی سابقه بود. تظاهرات چنان بزرگ بود که پلیس آنرا به سه بخش تقسیم کرد تا بتواند آنرا کنترل کند. کارگران متشکل در اتحادیه‌های کارگری، جنبش بازنشستگان و گروه‌هایی از مساجد و اقشار مختلف مردم در این تظاهرات شرکت داشتند. میدان ترافالگار در گردهم آیی آخر تظاهرات مملو از جمعیت بود. سخنرانان همگی " بمباران بیرحمانه و وحشیانه " افغانستان توسط ایالات متحده آمریکا و انگلیس را محکوم کردند. سخنران اصلی، صدر CDN، کارول ناتون سخنرانی خود را با شعار "برای صلح، برای عدالت" آغاز کرد. سخنرانان جناح چپ حزب به اصطلاح کارگر از دولت انتقاد کردند که "چرا جنگ را به رای پارلمان نگذاشته در صورتی که در دیگر کشور -های امپریالیستی از جمله آمریکا این مسئله به رای پارلمان گذاشته شده است." آنها مطرح کردند که "همه جای افغانستان بمباران شده و مخروبه را مخروبه‌تر کرده‌اند، باید به فقرا غذا داد نه آنکه بمبارانشان کرد" رهبر اتحادیه ماموران آتش نشانی FBU پیام همبستگی و حمایت از تظاهرات فرستاده و شدیداً حملات ترویجی علیه مردم آمریکا، مناطق اشغالی فلسطین و افغانستان را محکوم کرد.

دیپلمات فلسطینی عقیف صمیم‌خطاب به تظاهر کنندگان گفت بهترین عکس‌العمل عدالت‌است و از نیروهای غربی خواست که در جهت دست -یابی به صلح در خاور میانه حرکت کنند. تظاهرات و گردهم آیی با یک دقیقه سکوت برای تمام کسانی که در حملات ترویجی در آمریکا و بمباران افغانستان کشته شده‌اند خاتمه یافت.

شهرگلاسکو بزرگترین شهرا اسکاتلند، کاردیف مرکز ولز و تعداد زیادی از شهرهای دیگر بریتانیا همگی شاهد تظاهرات و گردهم آیی و مراسمی دیگر برضد جنگ بودند.

تظاهرات کارگری ۱۶ اکتبر در فرانسه

چهار اتحادیه C. G. C ، F. O ، C. G. T و C. F. T. C روز ۱۶ اکتبر را به روز اعتصاب و راه پیمایی درسراسر فرانسه تبدیل نمودند. در این روز ۱۵ هزار نفر درپاریس، ۲۰ هزار تن در ماریسی و بوردو به خیابانها آمدند تا برای افزایش دستمزدها، مسئله بازنشستگی، اشتغال زائی و بهترکردن تامین اجتماعی راه پیمایی کنند. علاوه بر شهرهای بزرگ دیگرمانند لیل و لیون، تجمعات و تظاهرات مشابهی در ۸۰ شهر فرانسه برپا شد. کارگران و زحمتکشانشان در بخش دولتی مانند حمل و نقل، مخابرات و پست و همچنین بخش خصوصی مانند لو (مواد غذایی) و لوگران (وسائل الکترونیکی) دست به اعتصاب زدند. اعتصابات و تظاهرات روز ۱۶ اکتبر ۲۰۰۱ در فرانسه طبقه معمول مورد خشم و غضب نمایندگان سرمایه داری از جمله آقایان الن مادلن (دمکراسی لیبرال)، ژان - فرانسوا کپه (جمعیت برای جمهوری)، هروه دوشارت (اتحاد دمکراسی فرانسه)، فیلیپ دوویلیه (جنبش فرانسه) و همچنین ژان- ماری لوپین (جبهه ملی- نیوفاشیست) قرارگرفتند. آنها این روز اعتراضی را باتوجه به وقایع اخیر در سطح جهان " غیرمسئولانه " خواندند.

سندیکای کارفرمایان فرانسه که MEDEF نام دارد اعتراضات ۱۶ اکتبر را خلاف " میهن پرستی اجتماعی" ازسوی اتحادیه‌های فراخوان دهنده خواند! برنار تیبو (دبیر کل اتحادیه ش. ژ. ت) در پاسخ به آنان گفت: " پس از انفجارات آمریکا، کارفرمایان دست از اجرای برنامه‌های خود برنداشته و کماکان به بیکار سازی و تعرض به حقوق کارگران می پردازند و دولت نیز از بازبینی بودجه خود چشم‌پوشی کرده است، در این صورت، چرا زحمتکشانش نباید دست به اعتراض بزنند؟" گفتنی است که روز ۱۶ اکتبر، لیوونل ژوسین، نخست وزیر سوسیال- دمکرات فرانسه، بودجه سال آینده را به پارلمان برد و کارگران فرانسه به شدت نسبت به آن معترض هستند.

اخباری از ایران

* اخراج گروه کثیری از کارگران "پشم وپتوی تبریز" و "آردسازی تبریز"

به گزارش ایسنا تعداد قابل ملاحظه ای از کارگران دو کارخانه پشم و پتو و آردسازی تبریز اخراج و بلاتکلیف شده اند. کارگران ضمن اعتراض به این اخراج های دستجمعی، هرروز درکارخانه حضور می‌یابند و خواهان پرداخت حقوق و مزایای خود هستند. اما تا کنون به خواست آنها توجهی نشده است.

* خواست بازگشت به کار در آریا موکت

۱۴۳ تن از کارگران شرکت آریا موکت که از اول خرداد ۷۷ بیکار شده اند، طبق تعهد کار - فرما قرار بود به مدت ۱۸ ماه زیر پوشش بیمه بیکاری باشند و پس از اتمام این مهلت، مجدداً به سر کارهای خود برگردند. اما کار- فرما، پس از سپری شدن این مهلت، از عمل به تعهد خود سر باز می زند و با اخراج و بازخرید اجباری کارگران قدیمی، دست به استخدام کارگران موقت می‌زند. کارگران این شرکت نسبت به این اقدام کارفرما شدیداً اعتراض دارند و خواستار بازگشت به کارند.

* کارگران صنایع چوب به سر کار بازگشتند

در اثر ادامه مبارزات کارگران برای ادامه کاری شرکت و بازگشت به کار، شرکت صنایع چوب رشت پس از دو سال تعطیلی، مجدداً فعالیت خود را آغاز کرد و ۹۷ کارگر این شرکت به سر کار بازگشتند. مدیر کل کار استان گیلان در مراسم شروع مجدد کار این شرکت، گفت واحدهای دیگری نظیر ایران جیکا، گیلان بافت، نخ ناز و پارس‌ایران نیز بعد از چندین ماه تعطیلی، دوباره راه‌اندازی شده‌اند.

* نامه اعتراضی کارگران سیلو

کارگران مجتمع سیلو و آسیاب کرمان، در نامه - ای خطاب به رئیس سازمان غله، خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده و رسیدگی به مشکلات خود شدند. این کارگران که از آبان سال گذشته بیکار شده‌اند، علی‌رغم آنکه حکم بازگشت به کار و پرداخت حقوق های معوقه آنان در اوائل اردیبهشت صادر شده است، اما بیش از یک سال است که همچنان در حالت بلا- تکلیفی به سر می‌برند و حقوقی دریافت نکرده‌اند.

* اعتراض کارگران کفش کویر

کارگران کارخانه کفش کویر در کرمانشاه، در یک نامه اعتراضی خطاب به وزیرکار، نسبت به

صفحه ۷

اخراج ۴۸۰۰ تن از کارکنان مخابرات هلند

خبر اخراج دستجمعی این عده، آنهم از طریق انتشار یک اطلاعیه مطبوعاتی موجی از خشم و اعتراض را در میان کارکنان دامن زد.

لازم به ذکر است که اخراج این تعداد از کارکنان، پس از جنگ دوم جهانی در هلند بی سابقه بوده است.

در نیمه دوم ماه اکتبر، شرکت مخابرات هلند (KPN) طی یک اطلاعیه مطبوعاتی، خبر اخراج ۴۸۰۰ تن از کارکنان را اعلام نمود. این در حالیست که شرکت مزبور یک ماه قبل از آن با ارسال نامه‌هایی به کارکنان، خبر "وضعیت درخشان" را به اطلاع آنها رسانده بود. اعلام

مؤثرترین شیوه مقابله با توطئه اخراج، اشغال کارخانه است

جمهوری اسلامی روند اجرای سیاست‌های انحصارات مالی را تسریع کرده است

حمایت از سرمایه‌گذاری در دست اصلاح‌است" (کاروکارگر ۱۷ مهر ۸۰).

پاسکال کوشین، وزیر اقتصاد سوئیس که در راس هیئتی از صاحبان صنایع و شرکت‌های خصوصی و دولتی به ایران سفر کرده بود، در گفتگو با وزیرصنایع و معادن رژیم، "کاهش عوارض" و "ایجاد تسهیلات" بیشتر را خواستار شد و نام برده نیز تصریح کرد که حرکت اقتصادی جمهوری اسلامی به سمت آزاد سازی بیشتر بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی است. وی گفت که "در شرایط فعلی اولویت ما نوسازی صنعت کشور است صنایع نساجی نیز در اولویت اول قرار دارد و شرکت‌های سوئیسی می‌توانند نقش موثری (در این زمینه) ایفا کنند" (کاروکارگر ۱۶ مهر ۸۰) همین آقای پاسکال کوشین پس از آنکه گفتگویی نیز با وزیراقتصاد و اموردارائی رژیم داشت، آمادگی شرکت‌های سوئیسی را برای سرمایه‌گذاری در ایران اعلام کرد. وی اظهار امیدواری نمود که تصویب قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به گسترش سرمایه‌گذاری شرکت‌های سوئیسی در ایران کمک کند! باید اضافه کرد که در راستای تامین رضایت هر چه بیشتر سرمایه‌داران خارجی و شرکاء داخلی آنها، شور دوم لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم نیز از سوی کمیسیون امور اقتصادی مجلس، به مجلس ارائه شده است که مراحل نهائی خود را از سر می‌گذرانند. در مورد طرح جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی نیز که از سوی شورای نگهبان به مجلس اعاده شده بود، رئیس کمیسیون امور اقتصادی مجلس در گفتگو با خبرنگار روزنامه "ایران" اعلام کرد "پس‌ازبرگشت این طرح، درجلساتی با حضور برخی از اعضاء این شورا به بررسی مواد مورد اشکال پرداختیم و تقریباً برسر تمامی موارد با ایجاد تغییراتی به توافق دست پیدا کردیم"

به هر رو، مجموعه سخنانی که از سوی مقامات و مسئولین دولتی و اقتصادی رژیم در این زمینه‌ها بیان شده است، به اضافه اقدامات و تحرکاتی که رژیم در یکی دو ماه اخیر برای جلب سرمایه‌های خارجی از خود نشان داده است از جمله مصوبه اخیر مجلس در زمینه نوسازی صنایع و دعوت از سرمایه‌داران خارجی برای سرمایه‌گذاری در این رشته، تماماً از این سیاست‌های انحصارات امپریالیستی، به ویژه بعد از واقعه یازده سپتامبر سرعت بخشیده است و می‌خواهد دوره "تشبیت اقتصادی" و تاخیرهای گذشته را جبران کند، ثانیاً جمهوری اسلامی با حمایت وسیع و همه جانبه از سرمایه‌های داخلی و خارجی، تهاجم وسیع و گسترده‌ای را علیه کارگران و زحمتکشان تدارک دیده است. اقدام مشترک رژیم جمهوری اسلامی با سرمایه‌داران

خود را برای جلب این سرمایه‌ها به کار انداخته است. شرکتها و سرمایه‌های خارجی و شرکای داخلی آنها، ضمن گله از رژیم، حمایت‌ها و ضمانت‌های بیشتری طلب می‌کنند و رژیم از هر طریقی که می‌تواند، منجمله از طریق تصویب قوانین جدید، زمینه را برای فعال شدن و ورود این سرمایه‌ها فراهم می‌سازد در همین رابطه است که طرح‌هایی در زمینه "آزاد سازی اقتصادی"، "بیمه خصوصی" به تصویب رسیده است، برای واگذاری صدها شرکت دولتی به بخش خصوصی اعلام آمادگی شده است، گام‌هایی در جهت خصوصی سازی بانک‌ها نیز برداشته شده است. رژیم در همان حال که با شتاب بیشتری تسهیلات و امکانات در اختیار سرمایه‌داران می‌گذارد، قوانینی نیز به زیان کارگران و به نفع سرمایه‌داران وضع می‌کند. تصویب لایحه "نوسازی و بازسازی صنایع نساجی" نیز در همین زمره است. برای تصویب نهائی دو طرح مهم دیگر، طرح کاهش یا معافیت مالیاتی سرمایه‌داران و طرح "تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی" نیز زمینه سازی شده است تارضایت کامل سرمایه‌داران جلب شود. این زمینه سازبهدارابعادی گسترده‌تر و با سرعتی بیشتر ادامه دارد. وزیر اقتصادی رژیم اوائل مهر ماه گفت، نظام مالیاتی هرچه زودتر بایستی به نفع سرمایه‌گذاری اصلاح شود! معاون وزیر اقتصاد و دارائی رژیم نیز در دیدار با رایزن اقتصادی و بازرگانی فرانسه در تهران که از مالیات‌های سنگین بر شرکت‌های خارجی گله می‌کرد، گفت که در این مورد بخشنامه اصلاحی صادر شده و امکان بررسی مجدد فراهم شده است. او تاکید کرد که سیاست دولت جلب سرمایه‌های خارجی است و اظهار امیدواری کرد که با ابلاغ قوانین جدید جذب و حمایت سرمایه‌های خارجی و اصلاح قانون مالیات‌ها، فعالیت‌های شرکت‌های فرانسوی افزایش یابد. وزیر اقتصاد و صنایع اطریش نیز همان روز یعنی دوم مهرماه در ملاقاتش با معاون وزیر گفت، "اطریش برای سرمایه‌گذاری بیشتر در ایران، در انتظار تصویب قانون جدید جلب سرمایه‌گذاری خارجی و اصلاح قانون مالیات‌هاست" (کار و کارگر ۴ مهر ۸۰). هرچند قوانین موجود نیز مانعی جدی بر سر راه سرمایه‌گذاری به طور کلی، از جمله سرمایه‌گذاری خارجی نبوده است، معاهدات دولتی خاتمی به کمک مجلس می‌کوشد با اعطاء حداکثر امتیازات، رضایت‌تام و تمام سرمایه‌داران را فراهم سازد. وزیر اقتصاد و دارائی جمهوری اسلامی می‌گوید "قوانین فعلی نیز امکان مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم می‌کند، اما دولت و مجلس می‌کوشد، با تصویب قوانین جدید تسهیلات بیشتری برای سرمایه‌گذاری فراهم کند. وی تاکید کرد که قوانین مالیاتی بخش تولید و خدمات نیز با هدف

شناخته شده‌ای که از طرف بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول عنوان شده است، تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند. تمام سیاست‌های اقتصادی دوره ریاست جمهوری رفسنجانی، بالاخص "تعدیل اقتصادی" مبتنی بر خصوصی سازی‌ها و حذف سوبسیدها و غیره مطابق رهنمودهای دیکته شده مراکز مالی و بین‌المللی و پیش شرط‌های اعطاء وام‌های خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. این رهنمودها، در ماهیت امر در برگزیده اجرای مواردی است به قصد آن که سودهای سرشاری را نصیب صاحبان سرمایه‌کنند و امنیت این سرمایه‌ها را نیز تضمین نماید. اما اجرای این سیاست‌ها همان طور که می‌دانیم نتایج بس وخامت باری را برای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان به بار آورده است. اجرای این سیاست‌ها که به معنای تشدید شکاف‌های طبقاتی، تشدید و گسترش فقر و فلاکت، بیکاری، عدم ثبات شغلی، زدن از هزینه‌های تامین اجتماعی و در یک کلام تعرض وسیع و همه جانبه به سطح معیشت و دست‌آورد‌های طبقه کارگر بود، جامعه را به آستانه انفجار کشاند که رژیم از وحشت این انفجار، "تعدیل اقتصادی" را تعطیل و دو سال آخر دوره دوم ریاست جمهوری رفسنجانی را به "تشبیت اقتصادی" گذراند! با روی کار آمدن خاتمی که با سرو صدای "توسعه‌سیاسی" همراه بود، اجرای برنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول کمی به تاخیر افتاد و یا لااقل تق و لوق شد. اما وقتی که سر و صدای "توسعه سیاسی" خوابید، دولت خاتمی، در عرصه اقتصادی راه دیگری نداشت جز آنکه سیاست‌های پیشین را تعقیب کند. "برنامه سوم توسعه اقتصادی" دولت خاتمی، که در آن بر تقویت بخش غیر دولتی و واگذاری بخش‌های دولتی به بخش خصوصی و توسعه بخش خصوصی به انکاء سرمایه‌های خارجی تاکید شده است، در واقعیت امر چیزی جز تداوم سیاست‌های اقتصادی دوران رفسنجانی و اجرای سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نبوده و نیست. فرقی اگر در این میان وجود داشته باشد این است که در "برنامه سوم توسعه"، دامنه خصوصی سازبها بسیار گسترده شده و به بسیاری از عرصه‌ها که در آغاز هنوز آشکارا سخنی از آن به میان نمی‌آمد، نظیر، استخراج نفت و گاز، پالایش، پخش و حمل و نقل نفت و فرآورده‌های آن، بهداشت و درمان، بیمه، بانک‌داری، پست، تلفن، دخانیات، قند و شکر و غیره نیز تعمیم یافته و فعالیت سرمایه‌های خارجی تقریباً در تمام این عرصه‌ها پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است. دولت خاتمی که "همراه شدن" با اقتصاد بین‌المللی را یگانه راه حل نجات اقتصاد کشور می‌داند، و در این راه در اساس همراهی جناح دیگر را نیز با خود دارد، تمام تلاش و امکانات

جمهوری اسلامی روند اجرای سیاست‌های انحصارات مالی را تسریع کرده است

بین‌المللی و نمایندگان انحصارات امپریا- لیستی و دعوت از آنان برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعتی در ایران، تحت عنوان "همایش سرمایه‌گذاری در ایران" گویای همین حقیقت است.

همایش سرمایه‌گذاری در ایران

گفتگو و همایش نمایندگان جمهوری اسلامی بانمایندگان سرمایه‌های انحصاری تحت عنوان "سرمایه‌گذاری در ایران" از دامنه وسیع این تحرکات حکایت می‌کند. در این همایش دو روزه که به ابتکار سه شرکت مالی و سرمایه‌گذاری انگلیسی، آلمانی و فرانسوی در اوائل آبان ماه در لندن برگزار گردید و سرمایه‌داران آمریکائی نیز نقش فعالی در آن داشتند، تمام بحث طرف جمهوری اسلامی که از زبان مقامات رسمی وزارت امور خارجه، وزارت امور اقتصاد و دارائی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، بانک مرکزی و سفیر جمهوری اسلامی در لندن بیان گردید، ناظر بر تشریح فرصت‌های فراهم شده در جمهوری اسلامی برای سرمایه‌گذاری خارجی و توضیح و تفهیم این مسئله بود که جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی از سیاست‌های محوری و در چارچوب و انطباق با برنامه سوم توسعه دولت است. این مقامات حداکثر تلاش خود را برای دادن اطمینان و خاطر جمعی به سرمایه‌داران به کار بستند و از جمله حضار را به تصویب قوانینی در مجلس در حمایت و تضمین امنیت سرمایه‌های از جمله سرمایه‌های خارجی، که مراحل نهائی خود را از سر می‌گذرانند توجه دادند و عاجزانه خواستار رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری شدند!

نمایندگان حریص سرمایه‌های بین‌المللی که همگی دهانشان آب افتاده بود، ضمن استقبال از این دعوت‌ها، خواستار امکانات و حمایت‌های بیشتری شدند. "لودتمیل موریس" مدیر اتاق بازرگانی بریتانیا و ایران، سخنان نمایندگان جمهوری اسلامی را برای گسترش مناسبات اقتصادی لندن و تهران بسیار امیدوار کننده خواند و گفت "سرمایه‌گذاران بریتانیائی فرصت‌های فراوانی را در ایران جستجو می‌کنند." "سر دیوید رایت" مدیرکل مرکز تجارت بین‌الملل بریتانیا که بریتانیا را دومین کشور سرمایه‌گذاری خارجی در دنیا پس از آمریکائی‌ها نامید گفت "سرمایه‌گذاران این کشور معمولاً به مناطقی از دنیا می‌روند که مناسبات اقتصادی در آنجا ساده، مشخص و شفاف باشد." "بن برادشاو" معاون منطقه خاور میانه وزیر خارجه انگلیس، به تمجید از فرصت‌ها و بازارهای اقتصادی که جمهوری اسلامی برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کرده است، پرداخت و بر مبنای صحبت‌هایش با مقامات جمهوری اسلامی گفت "این فرصت‌ها محدود به

نفت و گاز نمی‌شوند بلکه بسیاری بخش‌ها همچون ارتباطات، معدن، کشاورزی نیز قابلیت جذب سرمایه‌گذاران خارجی را پیدا کرده‌اند" نامبرده همچنین با توجه به طرح قانون جدید مربوط به سرمایه‌گذاران خارجی در ایران تصریح کرد که "این قانون شرکت‌های بیشتری از بریتانیا را علاقمند به سرمایه‌گذاری در ایران خواهد کرد" "بن برادشاو" تاکید نمود اداره دولتی بیمه تضمین صادرات انگلیس، به زودی در پی اقدام سال گذشته خود دایر بر برقراری محدود ضمانت‌های صادراتی، به طور کامل پوشش خود را از سرمایه‌گذاری خارجی در جمهوری اسلامی فراهم خواهد کرد که "ویویان براون" مدیر اجرایی اداره ضمانت‌های اعتبارات صادراتی بریتانیا نیز در سخنان خود بر همین مسئله مجدداً تاکید نمود.

علاوه بر این‌ها، سخنرانانی از اتاق بازرگانی آمریکا و اروپا، بانک جهانی، کامرس بانک، دویچ بانک و شرکت‌های ساچه موری، بی‌ان پی و پاریباس در خصوص امکانات و موانع سرمایه‌گذاری خارجی اظهارات مشابهی بر زبان راندند. "پیتر هانس گیلیباخ" نماینده عالی اتاق بازرگانی آمریکا و اروپا، با اظهار تاسف از اینکه سالانه ۳ میلیارد دلار از بابت تحریم اقتصادی ایران، زیان و خسارت نصیب صاحبان سرمایه در آمریکا شده است و با اظهار علاقه مندی شدید برای سرمایه‌گذاری در جمهوری اسلامی، قویاً خواستار لغو تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا شد. خانم "شری براون" به نمایندگی از "گروه مدنی آمریکائی موسوم به یو. اس. ای. انگیج" که ۶۷۵ شرکت آمریکائی را نمایندگی می‌کند، به همین شیوه بر ضرورت لغو این تحریم‌ها تاکید نمود و سرانجام "حبیب فنینی" یک مقام اقتصادی بانک جهانی در این همایش گفت "ایران در راه منطقی ساختن برنامه‌های اقتصادی خود به درستی در صدد حذف یارانه - هاست" وی تاکید نمود که در این زمینه بایستی اقدامات بیشتری صورت بگیرد، بخش خصوص مجال و سهم بیشتری برای حضور در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد و به نحوی اعطاء وام از سوی بانک جهانی رانیز به این مسائل گره زد.

سواى مباحث این "همایش" که تمام‌ابیانگرایان واقعیت است که جمهوری اسلامی در راستای حمایت هرچه بیشتر از سرمایه‌داران خارجی و داخلی، امکانات متعددی را اعم از امکانات مالی و قانونی در اختیار آنان قرار داده است و زمینه یک تهاجم وسیع و گسترده دیگر به طبقه کارگر و به سطح معیشت کارگری را بیش از پیش فراهم ساخته و دارد مسیر اخراج‌ها و بیکارسازی‌های وسیع کارگری و در یک کلام تشدید فشار و استثمار طبقه کارگر را هموار و هموارتر می‌کند، سخنان اخیر وزیر صنایع و معادن پیرامون طرح‌نوسازی صنایع نیز بر همین حقیقت‌گواهی می‌دهد. اسحاق جهانگیری وزیر

صنایع و معادن رژیم در گفتگویش با خبرنگار روزنامه "ایران" در اوائل آبان ماه پیرامون طرح یادشده، گرچه از ذکر جزئیات طرح‌نوسازی صنایع خودداری کرد و به این اکتفا نمود که بگوید این طرح، یک طرح مهم اقتصادی است و از اواخر تیرماه توسط یک تیم از متخصصین و مسئولین تهیه و قرار داده است ظرف سه ماه در هیئت دولت آماده بررسی شود، اما همان کلیاتی که پیرامون این طرح عنوان نمود، ابعاد این مسئله را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که مسئله اولاً اصلاً به صنایع نساجی محدود نمی‌شود. ثانیاً هدف فقط "نوسازی" ماشین‌آلات و تجهیزات نیست. او گفت: "طرح نو سازی صنایع، محدود به نو سازی سخت افزار (ماشین‌آلات و تجهیزات) نمی‌شود، بلکه ارتقاء تکنولوژی، توسعه صنایع انسانی و نو سازی نگرش‌ها از جمله ابعاد این طرح است. این طرح به دنبال آن است که محیط مناسب و سازگار با اصلاح قوانین و مقررات برقرار کند و شرایطی را فراهم کند تا صنایع به طور خود کار فزاینده‌تری را ادامه دهند. هدف این طرح رقابتی ساختن صنایع است، تسهیل ایجاد گروه شرکت‌های مادر، تسهیل فروش دارائی‌های غیر مفید، اصلاح ساختار نیروی انسانی، هماهنگی قانون مالیاتی با قوانین کشورهای در حال توسعه و رقابتی کردن سیاست‌های مالی و پولی از جمله برنامه‌های اولیه این طرح برای افزایش کارائی واحدهای تولیدی است!"

بنابراین اظهارات، طرح بازسازی صنایع، سواى آن که می‌خواهد تسهیلات در اختیار سرمایه‌دارانی بگذارد که می‌خواهند شرکت‌های مادر ایجاد کنند، و به سرمایه‌داران در فروش اموالی که آن را غیر مفید تشخیص می‌دهند کمک نموده و تسهیلات در اختیار آنها قرار بدهد، و قوانین مالیاتی و سیاست‌های مالی و پولی را به سود آنان اصلاح کند، می‌خواهد و می‌باید با اصلاح قوانین و برقراری مقررات در مراکز تولیدی، محیط مناسبی را برای سرمایه و سرمایه‌دار نیز فراهم کند!

همانطور که مشاهده می‌شود، طرح نوسازی صنایع، دربرگیرنده یک رشته اقدامات همه جانبه به نفع سرمایه‌داران و به زیان کارگران است. آقای وزیر این را می‌داند که بسیاری از سرمایه‌داران و کارفرمایان امروز هم به بهانه‌های مختلف، از جمله "غیرمفید بودن" اموال کارخانه‌ها را می‌فروشند، کارخانه را تعطیل می‌کنند و فوج و فوج کارگران را به خیابان پرتاب می‌کنند. طرح نوسازی صنایع، می‌خواهد به این مسئله نیز قانونیت ببخشد! آقای وزیر البته این را هم می‌داند که سرمایه‌داران به طور کلی، از جمله سرمایه‌داران خارجی در مورد روابط کار بسیار حساس‌اند و در این زمینه ضمانت کافی می‌خواهند. یکی از پیشنهادها و بهتر است بگوئیم پیش شرط‌های همیشگی آنان برای سرمایه‌گذاری، انجام تغییراتی در قانون کار

جمهوری اسلامی
روند اجرای سیاست‌های
انحصارات مالی را تسریع کرده است

با وضع قوانین جدید به زیان کارگران و به نفع سرمایه داران بوده است. رژیم جمهوری اسلامی البته در این زمینه امتیازات زیادی از جیب کارگران به سرمایه داران بخشیده است از آن جمله اند ' خروج کارگاه‌های با کمتر از کارگر از شمول قانون کار ' قانونی کردن انعقاد قراردادهای موقت و مصوبه اخیر مجلس در زمینه نوسازی صنایع نساجی که به سرمایه داران اختیار کامل می‌دهد هر زمان اراده کنند و به هر تعداد که بخواهند کارگران را اخراج کنند که این موضوع بخشا قانون کار فعلی راهم نقض می‌کند. معذا سرمایه داران در تدارک تعرضات بیشتری هستند. سرمایه داران نمی‌خواهند هیچگونه تعهدی در مقابل کارگران داشته باشند. می‌خواهند دستشان کاملاً باز باشد هر طور که خواستند با کارگران رفتار کنند ' هر زمان خواستند کارگر را استخدام کنند ' هر زمان نخواستند وی را اخراج کنند. ساعات کار را خودشان به میل خودشان افزایش دهند. حتی المقدور دستمزد کمتری به کارگران بپردازند ' و خلاصه هیچ قید و بند و محدودیتی در هیچ زمینه‌ای نداشته باشند. اشارات آقایی وزیر سرمایه داران نیز معطوف به تامین شرایطی است که سرمایه دار آن را "مناسب" بداند یعنی که عاری از هرگونه قید و بندی باشد. اگر به فرض در قانون کار جمهوری اسلامی مواردی بسیار محدود و جزئی هم به نفع کارگران وجود داشته باشد ' سرمایه داران نمی‌خواهند پای بند همین موارد محدود و جزئی هم باشند. هر چند قانون کار فعلی در کلیت خود مدافع منافع سرمایه داران و کار -فرمایان است ' اما موارد و مواد محدودی هم در آن یافت می‌شود که کارگران با مبارزات مستمر خود پذیرش آن را به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کرده اند و در هر حال دست آوردهای مبارزاتی طبقه کارگر محسوب می‌شود. اشارات آقایی وزیرحاکمی از تعرض است به این دست آوردها و ایجاد تغییرات دیگری به زیان کارگران و به نفع سرمایه داران. جمهوری اسلامی روند اجرای سیاست‌های انحصارات امپریالیستی را تسریع نموده و همزمان تعرض گسترده‌تری را به سطح معیشت و دست آوردهای طبقه کارگر تدارک دیده است. این تعرض اما بلا جواب نخواهد ماند. کارگران در برابر این تعرض خواهند ایستاد و با مبارزه متحد و یک پارچه خویش ' بدان پاسخ خواهند داد.

با کمک‌های مالی خود
سازمان را یاری رسانید
مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۱۶)

سفید رابه اهتزاز در آورد. در حالی که اعضای IWW را در غرب ' عمدتاً مردان تشکیل می‌دادند ' در شرق ' زنان نیروی قابل ملاحظه‌ای در میان کارگران نیمه ماهر و غیر ماهر بودند. IWW شدیداً از مبارزه برای حقوق زنان دفاع می‌کرد و آن را می‌ستود. M. tax در کتاب خود به نام "خیزش زنان" نوشت : "پیشروی زنان ' دوش به دوش مردان در اعتصابات ' به زودی نیروی رزمنده‌ای را پرورش خواهد داد که به سرمایه‌داری و هراس وحشت‌های آن پایان خواهد داد. . . و به بیان Kipling ' مونث انواع سرسخت‌تر و مهلک‌تر از مذکر آن هستند " و به آن باید افزود که مردان در حضور زنان و با کمک و تشویق آنها استوارتر و سرسخت‌تر می‌شوند. جنس اتحادیه صنعتی برای انکشاف رزمندگی هردو جنس تلاش می‌کند. " (خیزش زنان - م. تاکس - نیویورک ۱۹۸۰ ص ۱۲۷). مطبوعات IWW ' توجه ویژه‌ای به تمام جوانب فعالیت‌های زنان کارگر داشتند و گزارشات اعتصابات اصلی IWW همواره بر نقش‌های زنان به عنوان اعتصاب کننده یا حامی مردان در "پیک لاین‌ها" ایفا می‌کردند ' تاکید داشتند.

به احتمال قریب به یقین ' سازماندهی اعتصاب فواحش توسط IWW در نیو اورلئان در آوریل ۱۹۰۷ ' اولین مورد تاریخی از این نوع است. " فیلیپ فونر " داستان را چنین بازگو می‌کند: " تعداد زیادی از فواحش شهر تحت تاثیر فعالیتهای فعالین اتحادیه کارگران صنعتی قرار گرفتند که از آنها می‌خواستند به خیابانها بریزند و تقاضای بهبود شرایط زندگی خود را بنمایند. خانم رئیسها در چندین خانه تلاش کرده بودند که نرخ اجاره اطاقک‌هایی را که فواحش مورد استفاده قرار می‌دهند ' دوبرابر کنند. دختران پس از بحث حول چگونگی انجام امور توسط فعالین IWW ' یک پیک لاین سازماندهی کردند و با انتخاب نمایندگان به مبارزه علیه کارفرمایان بر-خاستند. IWW بر مبنای پرنسپ خود که تمام اعضاء را ملزم به همبستگی با خواهران شورشی‌شان می‌کرد ' در این مورد نیز واکنش نشان داد و مراجعه به فاحشه خانه‌ها را تحریم کرد. اعتصابیون پیروز شدند.

زنان فاحشه‌ها این اقدام دو جانبه که منجر به پیروزی آنها شده بود ' شادمان شدند. چندی بعد ' " صدای خلق " (ارگان IWW در جنوب) گزارشی را با عنوان " دختران ' ساق پاهای زرد را بایکوت کردند " نوشت که " دختران در منطقه موسوم به چراغ قرمز ' از فروش تن خود به چوپانان گر سرباز زدند. در Butte ' نظامیان برای سرکوب اعتصابیون گسیل شدند. " (زنان و جنبش کارگری آمریکا - نیویورک - ۱۹۷۹ - ص ۴۲۱).

* بخش بعدی به معرفی زنان برجسته IWW اختصاص دارد.

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و
بیانیه‌های سازمان

در تاریخ ۲۲/۸/۱۳۸۰، اطلاعیه‌ای در حمایت از مبارزات کارگران چیت سازی بهشهر انتشار یافت. در این اطلاعیه آمده است که کارگران چیت سازی بهشهر در ادامه مبارزات پیشین خود، از اوائل هفته جاری باردیگر دست به یک رشته اعتراضات در خیابانهای شهر زدند. کارگران در تاریخ ۱۲ آبان ماه در مقابل فرمانداری اجتماع کرده و دست به تظاهرات زدند. کارگران چیت سازی بهشهر خواهان تحقق مطالبات خود از جمله پرداخت حقوق و مزایای معوقه، رسیدگی به وضعیت کارگران بیکار شده و روشن شدن وضعیت کارخانه هستند. از آنجائی که پاسخ مشخصی به کارگران داده نشد، آنها خیابانها و جاده‌های اصلی شهر از جمله جاده سراسری مازندران به خراسان را مسدود کردند و علیه مقامات دولتی شعار سر دادند. نیروهای سرکوب رژیم کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند و گروهی را دستگیر و روانه زندان کردند. در پایان اطلاعیه، سازمان با محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه کارگران، خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان و تحقق مطالبات کارگران چیت سازی بهشهر شده است

اخباری از ایران

شایعات تعطیلی کارخانه و بازخرید اجباری ۷۰ کارگر این واحد تولیدی هشدار دادند.

*** اعتراض به مصوبه مجلس**

به دنبال تصویب لایحه بازسازی و نوسازی صنایع نساجی در مجلس که نارضایتی و اعتراضات وسیعی را در میان کارگران دامن زد ' کارگران کارخانه‌های مختلف نساجی ' ضمن پیشبرد سایر اشکال اعتراضی ' با تنظیم نامه‌های اعتراضی خواستار لغو این مصوبه و یا مسکوت ماندن آن شدند. که از جمله می‌توان به نامه‌های اعتراضی کارگران صنایع نساجی در قزوین ' مثل کارگران نخ ناز ' نقشیران ' فرش پارس و اکباتان ' پوشینه باف ' نخ ران ' ایران ریسه ' تبد ' جهان نخ ' کورو - غلی ' نامه اعتراضی ۱۶۵۰ تن از کارگران نساجی جیت ری ' کارگران نساجی استان یزد ' کارگران شرکت صائین باف زنجان ' و نامه اعتراضی ۱۴۰۰ تن از کارگران کارخانه پارسیلون یاد نمود.

*** اعتصاب معلمان گچساران**

معلمین شهرستان گچساران در اعتراض به شرایط نامناسب معیشتی و حذف پرداخت حق محرومیت ' از ۲۶ آبان ماه دست به اعتصاب زدند و طی چند روز با تجمع و تحصن در مقابل آموزش و پرورش ' خواهان تحقق مطالبات خود شدند. دانش آموزان گچساران نیز به معلمین معترض پیوستند و از مطالبات آنها حمایت کردند. این اعتصاب و تحصن تا این لحظه همچنان ادامه دارد.

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۱۶)

در شماره قبل، فدراسیون کار آمریکا، مورد بررسی قرار گرفت. بررسی تشکل "کارگران صنعتی جهان" بخش دیگری از کتاب "مبارزه طبقاتی و رهایی زنان" اثر تونی کلیف است.

کارگران صنعتی جهان

بیداری توده‌های وسیع مهاجرین بی حقوق و کارگران فصلی، کارگران غیر ماهر، زنان و مردانی که درهای AFL (فدراسیون کار آمریکا) به رویشان بسته بود، به پیدایش "کارگران صنعتی جهان" (IWW) که به Wdoblies موسوم گشته بودند، منجر شد. انقلاب ۱۹۰۵ روسیه نیز محرک دیگر ایجاد این تشکیلات بود. "بیگ بیل" (Big Bill) برجسته ترین رهبر IWW، در کنفرانس موسس در ژوئن ۱۹۰۵ به این موضوع اشاره کرد و گفت: امیدوارم جنبش نوین در سراسر کشور چنان رشد کند که اکثریت عظیم کارگران به آن بپیوندند و همانند طبقه کارگر روسیه که اکنون علیه سرمایه‌داری بپاخاسته است، علیه نظام سرمایه داری طغیان و قیام کنند. (فونر-جلد ۴-ص ۲۶)

IWW بر این اعتقاد بود که تمام کارگران باید در یک اتحادیه وسیع سازماندهی شوند تا بدین طریق بتوان با سلاح اساسی کارگران یعنی اعتصاب، به مبارزه طبقاتی مبارزت ورزید که این خود به سلاح انقلابی اعتصاب عمومی ارتقاء خواهد یافت که سرمایه‌داری را به زیرخواهد کشید و یک دولت کارگری ایجاد خواهد نمود که هدایت آن در دست اتحادیه‌هاست.

در آغاز، تمام اعضای رهبری IWW، اعضای حزب سوسیالیست بودند که جناح چپ اش هوادار پرو پا قرص اتحادیه گرائی صنعتی انقلابی بود. در آن هنگام IWW در مبارزه سیاسی برای کسب حقوق مدنی، آزادی بیان، دفاع از حقوق زندانیان، مخالفت با قوانین علیه آوارگان و ولگران و موارد متعدد دیگر مداخله می‌کرد. (کیپینس-ص ۴۱۵) همچنین "بیگ بیل" از سیاست‌های انتخاباتی برکنارماند. او یکی از قدرتمند ترین و موثرترین مبارزین حزب سوسیالیست

در انتخابات ریاست جمهوری و کنگره در ۱۹۰۴ و ۱۹۰۸ بود و در ۱۹۰۶ نیز کاندیدای حزب برای فرمانداری کلرادو بود.

اما حزب سوسیالیست در سال ۱۹۱۲، جناح چپ‌اش را تصفیه کرد و "بیگ بیل هی وود" را از کمیته اجرایی حزب برای رهبری IWW برکنار نمود. او سپس حزب را ترک کرد و به هزاران تن از جناح چپ پیوست که از حزب اخراج شده بودند و یاب به میل خود کنار رفته بودند. از این پس، اتحادیه کارگران صنعتی جهان، بیش از پیش به موضع غیر سیاسی در غلطید و اقدام سیاسی را نفی نمود. IWW فراخوان ویژه ای خطاب به کارگران خانه به دوش صادر نمود. این کارگران یک ارتش متحرک چند میلیونی متشکل از مجردین، بی خانمان ها و کارگران نیمه ماهر و غیر ماهر بودند که در ارا به‌های بارکش خالی در پی کار در حرکت بودند. آنها در کارخانه‌های چوب بری، معادن، پروژه‌های ساختمانی و بر روی زمین‌های کشاورزی کار می‌کردند. آنها برغم تفاوت‌های نژادی، ملی و مذهبی شان، در حین این مسافرت‌ها آزادانه با یکدیگر می جوشیدند و با هم در می آمیختند (فونر-جلد ۴-صفحات ۷-۱۱۵).

IWW همچنین از این که کارگران مهاجر را مورد خطاب قرار داده بود، به خود می‌بالید. به منظور جذب خارجی تباران، یک نشریه پر تیراز به زبان خارجی منتشر نمود. IWW در پایان سال ۱۹۱۲، ۱۳ نشریه به زبانهای مختلف انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی، روسی، لهستانی، اسلاو، لیتوانی، مجاری، سوئدی و عبری و ژاپنی منتشر می کرد. این نشریات عمر کوتاهی داشتند. (فونر-جلد ۴-صفحه ۱۴۹).

همچنین تلاش ویژه ای برای سازماندهی کارگران سیاهپوست صورت گرفت. IWW به درستی و منصفانه بر مبنای برابری کامل به سازماندهی کارگران سیاهپوست پرداخت. IWW به آنچه که می گفت و وعده می داد، حتی در اعماق جنوب عمل می‌کرد و در اینجا بود که پرچم "نه نژاد، نه کیش و نه رنگ" بلکه مبارزه مشترک کارگران متحد سیاه و

در صفحه ۲

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris
France

هلند
P. B. 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

گرامی باد هشتاد و چهارمین سالگرد

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No.369 now 2001

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی